

تاریخ سیاسی و فرهنگی دولت ایلام



نگاهی نو به تاریخ ایران (۴)

احمد شه وری

بنیاد تاریخ و فرهنگ ایران



سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران

سرشناسه	شوری، احمد، ۱۳۲۴-
عنوان و نام پدیدآور	تاریخ سیاسی و فرهنگی ایلام/ احمد شوری.
مشخصات نشر	تهران : احمد شوری، ۱۳۹۶.
مشخصات ماهری	۳۱۵ ص.
فروست	نگاهی نوبه تاریخ ایران؛ ۴.
شابک	۹۷۸-۶۰۰-۰۴-۸۳۸۶-۹
وضعیت فهرست نویسی	ف
موضوع	ایران -- تاریخ -- ایلامیان، ۲۲۲۵ - ۶۴۵ پ م
موضوع	Iran -- History -- Elamites, B. C ۶۵۵- ۲۲۲۵
موضوع	ایران -- تاریخ -- ایلامیان، ۲۲۲۵ - ۶۴۵ پ م -- سیاست و حکومت
موضوع	Iran -- History -- Elamites, B. C. -- Politics and government ۶۵۵- ۲۲۲۵
موضوع	ایران -- شاهان -- درماریوایان -- تاریخ -- پیش از اسلام
موضوع	Iran -- Kings and Rulers -- History -- To ۶۳۳
رده بندی کنگره	DSR/۱۸۴ش ۹ت ۱۲ ۶ ۲
رده بندی دیویی	۹۵۵/۱۲۲
شماره کتابشناسی ملی	۴۸۴۲۶۹۹

شناسنامه کتاب:

نام کتاب:	تاریخ سیاسی و فرهنگی ایلام قطع وزیری
پدیدآورنده:	احمد شه وری
صفحه بندی و طراحی جلد:	احمد شه وری
سال انتشار:	۱۳۹۶
شمارگان:	۳۰۰
ناشر:	مؤلف
چاپ:	اول
محل نشر:	تهران
تلفن های پخش:	۲۲۲۳۳۲۳۶۶ و ۸۸۸۵۱۵۴۱
تلفکس:	۲۶۴۵۷۲۳۴
تلفن های همراه:	۰۹۰۹۶۶۷۳۴۵ و ۰۹۰۱۲۹۰۴۴۹۰
قیمت:	۳۹۰۰۰۰ ریال

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۵	فهرست الفبایی نام شاهان ایلام
۲۵	فهرست نام افرادی که محققان غیر ایرانی از آنها بعنوان شاه ایلام نامبرده اند به لاتین ^۱
۳۳	فهرست شاهان، دودمان ها، و سلسله های ایلامی حسب زمان
۴۷	حکمرانی
۱۱۳	سالشمار تاریخ ایلام
۱۱۵	پیشگفتار
	مقدمه
۱۲۳	تپه ملیان و توسعه شهر نشینی در سرزمین انشان
۱۳۷	پارسه
	ظهور تمدن ایلامی
۱۴۵	ایلام در هزاره سوم پ م
۱۵۱	قلمرو ایلامیان
۱۷۵	دولت ایلام
۱۷۷	تاریخ پادشاهی ایلام
۱۷۹	دوره اول تاریخ ایلامیان ۲۶۰۰ تا ۲۷۰۰
۱۸۹	دوره دوم تاریخ ایلامیان ۲۲۶۵ تا ۱۵۰۰
۱۹۷	دوره سوم تاریخ ایلامیان ۱۵۰۰ تا ۱۱۰۰
۲۰۹	دوره چهارم تاریخ ایلامیان ۱۱۰۰ تا ۵۳۹
۲۱۱	علل انقراض ایلامیان
۲۱۵	روابط خارجی دولت ایلام
۲۱۹	شهرهای ایلام باستان
۲۳۱	آثار بجا مانده از دوره ایلامیان
۲۳۵	فرهنگ، هنر و صنعت در ایلام
۲۶۳	نژاد، خط و زبان و مذهب ایلامیان
۲۸۱	یادداشت ها
	منابع و مأخذ

۱- این فهرست مشتمل بر ۹۲ نام است.

پیشگفتار

تاریخ ایران قدمت ازلی دارد بخواست ایزد یکتا ابدی هم بماند، زیرا طرحهایی شیطانی برای تجزیه باز هم بیشتر آن دارند که البته هیچگاه به آرزوی خود نخواهند رسید. هرچند که می گویند در سال ۲۰۵۰ تعداد اعضای سازمان ملل متحد به ۵۰۰ کشور می رسد. پس بی تردید نقشه هایی برای تجزیه کشورها، از نوع نقشه ای که برای یوکرائین اجرا کردند برای دیگر مناطق هم، بویژه برای منطقه ما هم دارند.

تحت این شرایط یکی از چیزهایی که ما ایرانیان را بهم متصل و یکپارچه نگه خواهد داشت نوع نگاه به تاریخ و فرهنگ مشترکی است که اقوام مختلفی که از دیرباز در این خاک زیسته اند با یکدیگر دارند. زبان و فرهنگی که باصطلاح من درآوردی و بروزی نیست، بلکه اصالت دارد. این جانب سه سال شش ماه در کره جنوبی ساکنی. فامت داشتم. آنهایی که با تاریخ این منطقه از آسیا آشنا هستند بخوبی می دانند که در این بخش از جهان دو فرهنگ متمایز شناخته شده از روزگار باستان تا به امروز وجود داشته است: چین و ژاپن. و کره قرنهای جزیری از چین بوده منتها ساکنان امروزی آن بیشتر از مغولستان به این بخش از دنباله چین کوچ کرده اند؛ زبانشان تا ۵۰۰ سال پیش زبانی متمایزی از زبان چینی نبوده است تا اینکه فردی با نام سجونگ خط و زبان کره ای را اختراع می کند. اما امروز کره ایها با غروری وصف ناشدنی از ۷۰۰ سال فرهنگ خود سخن می گویند و به زبانشان آنچنان علاقمندند که می گویند یکی از شیرین ترین زبانهای جهان است. حال شما تاریخ و فرهنگ ایران را با این زبانها که کم هم نیستند مقایسه کنید و ببینید چگونه بوده که این فرهنگ توانسته است پس از این همه حمله خارجی و این همه سلطه بیگانه دوام بیاورد و خود را حفظ کند.

بعقیده این جانب آنچه به ما در سخت ترین شرایط قدرت مقاومت را در برابر هجوم فرهنگی و نظامی دشمنان ما اعطا کرده است همین فرهنگ غنی و سرشار از آموزه و درس است. امروز هم که دنیا پراست از کید و مکر و فریب و حيله عليه ما ایرانیان، تنها راه رستگاری ما بالیدن به فرهنگ غنی و سرشار از دانش و انسانیت است.

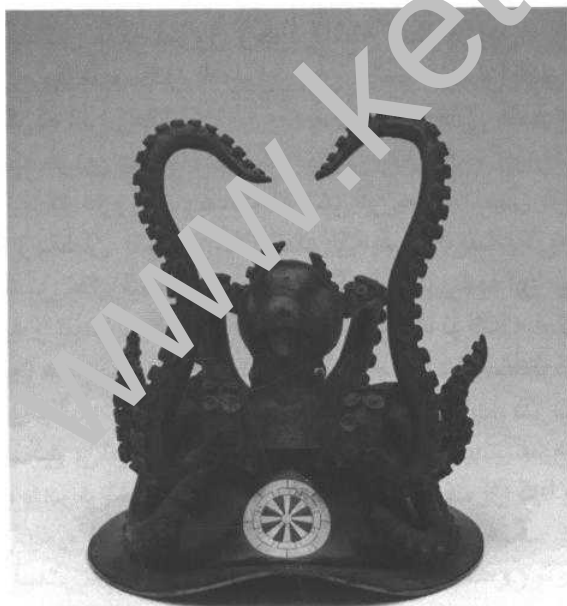
امروز ما درست در شرایطی قرار داریم که فردوسی بزرگ در آن قرار داشت. آنچه فردوسی بزرگ در آن شرایط بحرانی انجام داد دست آزدن به رشته ارتباطی فرهنگ در جامعه بود و با بهره گیری از این خط ارتباطی بر ایرانیان

نهیب زد که ای مردم ایران به هوش باشید که هستید و از کجا آمده اید، شما انسانهایی آزاده هستید که همواره خداشناس و یزدان پرست بوده اید، بر دین و ایمان راستین خود باقی باشید، خود را از لحاظ معنوی نیرومند سازید که بخواست خدا پیروز خواهید شد.

و اگر ما امروز هنوز با نام ایران بنام ایرانی شناخته می شویم و با یاد ایران زنده ایم، این موهبت را مدیون فردوسی بزرگ هستیم. آری آنچه ما امروز داریم بیش از هر کسی، پس از خدای بزرگ، مدیون فردوسی بزرگ و دیگر پرچمداران نهضت ادبی و فرهنگی ایران هستیم که با درک صحیحی که از زمان خود داشتند تلاش کردن تا رشته های همبستگی را در میان ایرانیان محکم و استوار سازند.

احمد شه ور

۱۰ خرداد ۱۳۹۶



مقدمه

فلات ایران بخاطر ویژگیها و شرایط خاص و اوضاع جغرافیایی، از دیر باز زادگاه و کانون تمدنهای دیرین و دیرپای جهان بوده است و در این پهنه گسترده در طول سده های متمادی اقوام و ملل گوناگون با فرهنگها و آیینهای ویژه خویش که بیشتر از فرهنگ و تمدن قوم ایرانی متأثر بوده اند، برخاسته اند و در این میان از نظر قدمت سابقه حضور در ایران، ایلامیان گوی سبقت را از دیگران ربوده اند هرچند که آگاهی ما از تاریخ ایلام، عمدتاً حاصل بازسازی قطعات ناقص از منابع میانرودان (سومری، اکدی، آشوری و بابلی) است که خالی از اشتباه و خلط مبحث های فادس نیست از جمله اینکه پژوهشگران در باره ایلامیان و تاریخ آنها، تا مدت ها ایلام را با سوزیانا یکی می پنداشتند، و بر آن بودند «که سوزیانا مترادف با دشت و خروپای های زاگرس سفلی در استان خوزستان امروزی است». اما بتازگی دو عامل مهم این باور را اصلاح کرده است. نخست آنکه پژوهشگران دریافته اند که تل ملیان در استان فارس همان مرکز باستانی پادشاهی انشان بوده است و دوم اثبات گردید که شوش، ایلام دو مفهوم متمایز بوده اند؛ به عبارت دیگر، شوش مترادف ایلام نیست در واقع، در طی تاریخ چند هزار ساله ایلام، مرزهای این سرزمین نه تنها از دوره ای به دوره دیگر، بلکه با توجه به دیدگاه کسی که آنرا توصیف می کرد، متغیر بود. با این وجود، «بر اساس منابع میانرودان می توان نقشه ای نسبتاً دقیق از ایلام در اواخر هزاره سوم پ م ترسیم کرد؛ ترسیم این نقشه را بویژه مدیون «جغرافیای باستان شناسی» هستیم، اثری که در دوره آشوری جدید تدوین شد و دامنه فتوحات سلطنتی آن را در حدود ۲۳۰۰ پ م را نشان می دهد. بنظر می رسد که طبق تصور میانرودانی ها در اواخر هزاره سوم پ م، کشور ایلام تمامی فلات ایران را در بر می گرفت، و از میانرودان تا دشت کویر و دشت لوت و از دریای کاسپین تا خلیج فارس گسترده بود»^۱.

اما البته نفوذ فرهنگ ایلامی در آن دوره بسیار گسترده تر از این مرزهای سیاسی بود و به آسیای مرکزی، افغانستان، پاکستان و سواحل جنوبی خلیج فارس می رسید. باید تاکید کرد که در طی سده های آخر هزاره سوم، سوزیانا گاهی اوقات از نظر سیاسی به امپراتوری های میانرودان وابسته بود که مرکز این امپراتوری ها ابتدا اکد و سپس اور* بود؛ سوزیانا تنها برای مدت کوتاهی عضو

^۱ - Vallat, The history of Elam.

کنفدراسیون ایلامی بود. کنفدراسیون ایلامی از چندین پادشاهی تشکیل می شد: پادشاهی اوان (احتمالاً در ناحیه زاگرس)، سیماشکی یا به تلفظ آشوری، شیمشکی (احتمالاً از کرمان تا دریای کاسپین) و انشان (استان امروزی فارس که به طور طبیعی از ناحیه بوشهر به خلیج فارس دسترسی دارد). باید افزود که کل این تعریف از دیدگاه میانرودانی ها می باشد. برای مردم فلات ایران، یعنی اوانی ها و شیمشکی ها، ایلام بمعنی سرزمین انشان بود.^۱

از سوی دیگر، بنا بر روایت بیشتر تاریخ نویسان حدود سه هزار سال پیش گروهی از مردمان که آنها را آریایی خوانده اند از جنوب استپهای سیبری که بتدریج از هواش از اعتدال خارج و بسوی سرد شدن می رفت به درون فلات ایران سرازیر شدند و پس از زد و خوردهای فراوان با ساکنان سرزمین جدید، سرانجام چیرگی یافت و اینجا و آنجا برای خود شهرک ها و آشیان هایی برپا کردند. بیشتر آریاییان چران و گله دار و کوچ نشین بودند و زندگی قبیله ای داشتند. زرتشت که بر ورد زمان تولد او ابهامهای زیادی وجود دارد، بنا بقولی در حدود ۱۱۰۰ سال پیش از غرب ایران یعنی آتروپاتن و بنا بروایتی هم از شرق ایران یعنی از بلخ برخاست و دینی به مردم خدانشناس ایران عرضه کرد که بر پایه تثویت یا وجود دو خدا یک ظاهر روحانی و رحمت بنام اهورامزدا و دیگری نماد سیاهی و تباهی بنام اهریم بود که طبعاً این گفته ها در میان مردمی که بگونه ای طبیعی خدا شناس بودند و تنها به وجود یک خدا اعتقاد داشتند، گوش شنونده نداشت و از این روی زرتشت راه که در رخنه در خاندان شاهی ایران آن روز یعنی لهراسب و گشتاسب یافت که زمینه برای می ناچیزی داشتند. زیرا از همان آغاز برگزیدن لهراسب به پادشاهی از سوی کیخسرو این گزینش توسط نخبگان جامعه ایران از جمله زال زر، توهینی به ایرانیان تلقی گردید و زال و دیگر بزرگان ایران بر کیخسرو، برغم احترامی که در میان ایرانیان داشت، انتقاداتی سخت وارد ساختند. به هر حال دین زرتشت در برابر حمایت شاهان و شاهزاده ایران؛ اسفندیار، بتدریج گسترش پیدا کرد و متقابلاً زرتشت شاه را سایه خدا و اطاعت بی چون و چرای مردم از فرمان او را در حکم عبادت دانست که تالی فاسد آن تا به ۳۸ سال پیش دست از گریبان مردم ایران بر نمی دارد.

آریاییان پس از ورد به ایران در نقاط مختلفی اسکان یافتند و پس از گذشت سده ها تشکیل قبیله های بزرگی را دادند و بر اثر مرور زمان در بینشان

^۱ -Vallat, The history of Elam.

لهجه های تاحدی متفاوت پیدا شد، بگونه ای که مثلاً در توران^۱ که در آغاز بخشی از ایران زمین بود، زمانی که سیاوش به آنجا می رود زبان مردم آنجا بگونه ای تغییر یافته بوده که سیاوش آن را در نمی یابد. با این وجود زبان همگی این اقوام وجه مشترک زیادی باهم داشته است بگونه ای که با قدری تسامح می توان به آن نام زبان ایرانی را داد.

ایرانیان سرزمین خود را ایریوشی یا ایریودنینگهو، یعنی مسکن آریاییان، می خواندند و بعدها که دارای شاه و دولتی پادشاهی شدند، میهنشان را ایریانو خستر^۲ یعنی پادشاهی ایرانیان خواندند.

اولین دولتی که در ایران تشکیل شد دولت ایلام بود، هرچند که گروهی از تاریخ نویسان و باستان شناسان در آریایی بودن ایلامیان که اجداد لرهای کنونی بوده باشند ابراز تردید جدی کرده اند که امری است صحیح؛ ایلامیان عمدتاً از مردمانی هستند که قبل از کوچ رباباها به ایران در نجد ایران سکونت داشتند.

در کتیبه های بابلی ایلام را (الامتو) یا (الام) خوانده اند که به قولی به معنای کوهستان یا کشور طلوع خورشید است. امروزه در نتیجه کشفیات و بررسی های باستان شناسی که در شوش، سراسر، مه میان، دره شهر، هلیلان و دیگر مناطق به عمل آمد بخشی از چهره حقیقی تاریخ این منطقه کهن نمودار گشته است و حسب پژوهش های باستان شناسانی چون ملام ژان دیو لا فوا، ژان ژاک دمرگان و استاد فرانک، باستان شناسان فرانسوی، کار خود در ایران را از سالهای دهه ۱۸۹۰ برای گمانه زنی و حفاری باستان شناسی شروع کردند، می توان گفت که سابقه حضور ایلامیان در منطقه ای که امروزه از جنوب همدان آغاز و به خوزستان ختم می شود به بیش از هشت هزار سال پ. م. می رسد.

بنابر اسناد تاریخی فراوان، دولت ایلام حدود ۳۰۰۰ سال پ. م. بوجود آمده و تا سال ۶۴۰ پ. م. به حیات سیاسی و اجتماعی خود ادامه داده است. از شهرهای مهم آن می توان به شوش پایتخت اصلی آن و ماداکتو که در محل کنونی دره شهر واقع بوده و پایتخت تابستانی آن بشمار می رفته، اشاره نمود. نام شمال این منطقه در جایی که امروز استان ایلام واقع است، در زمان باستان اریوجان

^۱ - در مورد خاستگاه اولیه آریاییها شجاع الدین شفا در جلد اول کتاب «جهان ایران شناسی» خود آورده است که: "محل قوم ایرانی نژاد تورانی در اوستا حوالی کنگه كه Kang ha، (کنگ دژ) ذکر شده است که محققین شوروی آن را در حدود خوارزم دانسته اند. و "مارکوارت" خاورشناس نامی آلمانی آن را با کهنک، Khang (نام چینی سمرقند) مربوط دانسته و کنگ دژ را محلی می داند که بعدها شهر بخارا در آنجا بنا گردید. درباره ارتباط فرهنگی این قبایل ایرانی نژاد آسیای میانه با تاریخ و فرهنگ ایران در دوران بسیار کهن تاکنون تحقیقات فراوانی شده است. (ز. ک. شفا: ۶۳۷ و ۶۳۸)

^۲ - این نام بعدها از آن شتر و ایران شهر شده که ایران کوتاه شده همین نام است.

بوده است و در محل کنونی شهر ایلام در قدیم شهری به نام ردین قرار داشته است. ویرانه های شهر باستانی ماداکتو در دره شهر، آتشکده چهار تاقی دره شهر هنوز هم نمایان هستند. وجود آثار باستانی مکشوفه بسیاری در منطقه تحت قلمرو ایلامیان، از جمله آنچه در غارهای کوههای بختیاری و دیگر نقاط، بویژه در حفاریهای بدست آمده در شوش، نشان می دهد که این منطقه در آن زمان آباد و از موقعیت مهمی در منطقه میانرودان برخوردار است.

ایلامیان که در متون تاریخی از آنها با نام «هلتاماتیها» هم یاد شده، از گروه نژادی به نام «آسیانیک» بودند که نسب اینان امروز نیز کاملاً شناخته شده نیست.

مطالعات باستان شناسی پرفسور گیرشمن و سایر دانشمندان بر روی زبان، فرهنگ، و تاریخ این قوم این یقین را ایجاد کرده که این قوم به هیچ یک از دسته های شناخته شده آریایی تعلق نداشته اند. خاستگاه این مردم در ابتدا نواحی آسیای مرکزی بوده است، و باستان شناسان شواهد بسیاری از تشابه اینان با ساکنان منطقه "آنو" در آسیای مرکزی بدست آورده اند؛ زبانی که این مردم بدان تکلم می کرده اند خصوصیت مشترک کمی با دیگر زبانهای مردم باستانی ایران را داشته است.

هنگامی که ایلامی ها با مردم سوزیانا متحد شدند و در سال ۲۰۰۴ پ م به امپراتوری سوم اور پایان دادند، آنها سوزیانا را به ایلام ضمیمه کردند؛ سپس نهمین شاه سیماشکی در سوزیانا، دودمان ایری یا سوکل مخ ها را تشکیل داد. بنابراین، این سلسله ریشه در فلات ایران داشت. مشخص کردن مرزهای شرقی پادشاهی اپارتی مشکل است، اما با کم شدن قدرت آنها در سده ۱۸ پ م، احتمالاً نفوذ آنها در شرق هم کاهش یافت. درباره «پادشاه نشان و شوش» که در دوران ایلامی میانه (۱۵۰۰ تا ۱۱۰۰ پ م) حکومت می کرد، بنا به مدارک موجود، می دانیم که حداقل بر استان های امروزی خوزستان، خارس و بوشهر اعمال سلطه داشتند. در هزاره اول پ م، گسترش اقوامی که به زبان ها و لهجه های هندو ایرانی سخن می گفتند به داخل فلات ایران، باعث شد که ایلامی ها قلمروهای امپراتوری خود را یکی پس از دیگری از دست بدهند و در سوزیانا پناه بگیرند؛ از این پس بود که مرزهای ایلام به سوزیانا محدود گردید. در سالنامه های آشوربانیپال، کتیبه های هخامنشی و کتاب مقدس آن به همین سرزمین کوچک اشاره شده است.^۱ با وجود پیشرفت های جدید، شناخت ما از تاریخ ایلام همچنان

^۱ -Vallat, The history of Elam.

بسیار ناقص است. به دلیل اندک بودن منابع بومی، بازسازی تاریخ ایلام عمدتاً باید بر مبنای متون میانرودان صورت بگیرد. تاکنون بزرگترین قسمت متون ایلامی در حفاری های شوش بدست آمده، شهری که از بدو پیدایش در حدود ۴۰۰۰ سال پ م، گاه زیر سلطه قدرت ایلام و گاه زیر سلطه میانرودان بوده است. در حفاری های قدیمی ترین سطوح محوطه شوش، سفال های قابل توجهی بدست آمده که مشابه آنها در میانرودان یافت نمی شود. در حالی که در دوره بعدی (سطوح ۲۲ تا ۱۷) در کاوش هایی که «لو برون» انجام داده مواد باستان شناسی بدست آمده مواد میانرودان در دوره اوروک* شباهت دارد. از حدود ۳۲۰۰ پ م، می توان تاثیر فلات ایران را در شوش مشاهده کرد؛ زیرا نمونه های مشابه الواح عددی و سپس الواح ایلامی ابتدایی که در شوش پیدا شده، در تعداد کمتر در سایت های فلات ایران تا قبل از دورستی چون شهر سوخته در سیستان به دست آمده است.

خط ایلامی ابتدایی که تمام تلاش ها برای کشف رمز آن ناکام مانده است، تا حدود ۲۷۰۰ پ م استفاده می شد اما در دوره کمتر شناخته شده بعدی، یعنی بین پایان دوره نیا-ایلامی و آغاز سلسله اوان، ایلام بتدریج از گمنامی در آمد. نخستین بار که نام پادشاهی ایلام را می بینیم در کتیبه ای از انمبرگسی شاه کیش است که در حدود ۲۶۰۰ پ م حکومت می کرد. اما تنها از آغاز دوره اکدی است که نام ایلام در منابع مکتوب پیدا می شود.

در هزاره اول پ م، پس از آنکه کوچ نشینان آریایی تازه وارد در کنار شهرهای آنان ساکن شده بودند، در جنگ با آشوریهها به روان ایلام کمک کردند، ایلامیان آنها را در شهرهای خویش راه دادند و بتدریج بوم را احاطه و تشکیل دادند که بعدها مبانی ریشه تمدن ایرانی را پدید آورد. در سایه این آمیختگی، در طول سده ها قدرتی تازه بوجود آمد و سرانجام یکی از خانواده های بزرگ آنان که در ناحیه ای موسوم به پارسیماش، ناحیه ای میان شوش شوشتر کنونی، ساکن بود، بر دیگران حکمروایی پیدا کرده و امپراتوری بزرگ انشان و یا انزان را بنیان گذاشت.

در کنار این تحولات، دولت ایلام در جنگهای طولانی که با همسایگان خود داشت سرانجام در جنگی سرنوشت ساز از آشوربانیپال بسختی شکست خورد و تقریباً از میان رفت.

* - Vallat, The history of Elam.